

گزارش بازدید از یک گورستان

اردشیر سگوند

خاک روی آن‌ها را پوشانده است و تنها به قریب‌های همجواری‌شان با گورهای دیگر، به زحمت می‌توان به گور بودن‌شان پی برد. بدون در نظر گرفتن این گورها، تعداد گورهای قابل تشخیص در گورستان A در حدود ۱۵۰ قبر است.

از مقایسه‌ی دو گورستان A و B با یک‌دیگر این نتیجه حاصل می‌شود که گورستان A به احتمال زیاد بازمانده‌ی یک گورستان باستانی است یا لاقلاً اگر هم به دوره‌ی اسلامی مربوط باشد، متعلق به قبور مسلمانان نیست. در تایید این ادعا می‌توان به دلایلی که ذیلاً خواهد آمد، استناد کرد:

۱- سنگ قبرهای گورستان B دارای تاریخ و نام و نشان مرده می‌باشند؛ در صورتی که سنگ گورهای گورستان A بدون استثناء، فاقد تاریخ و نام نشان مرده هستند.

۲- گورهای گورستان B همگی دارای نقوشی هستند که جنسیت مرده را به تفکیک زن یا مرد نشان می‌دهند. اما بر روی سنگ قبرهای گورستان A حتا یک نقش هم دیده نمی‌شود. در صورتی که کندن نقوش برجسته بر روی سنگ قبر و تعیین جنسیت متوفی به وسیله‌ی آن‌ها، از سنت‌های رایج و شناخته شده‌ی تدفین در لرستان دوره‌ی اسلامی است. ۳ و اگر گورستان A مربوط به دوره‌ی اسلامی باشد، نبودن نقوش بر روی قبور آن، آن گونه که در لرستان رایج است، جای تعجب دارد.

۳- طول همه‌ی قبور گورستان B مطابق تدفین به شیوه‌ی اسلامی، شرقی - غربی است. (رو به قبله بودن مرده). اما در گورستان A ضمن این که برخی گورها به لحاظ جهت نامنظم هستند، طول بیش تر قبور، شمالی - جنوبی است که در این صورت مرده رو به شرق یا غرب دفن شده است (به احتمال زیاد رو به شرق). هم‌چنین در گورستان A، سنگ عمودی روی قبر که معمولاً جهت سر مرده را نشان می‌دهد، در ضلع جنوبی برخی گورها دیده می‌شود^۴ که نشان می‌دهد سر مرده به سوی جنوب و پاهای آن رو به شمال است. این شیوه‌ی تدفین با تدفین اسلامی کاملاً مغایرت دارد.

البته گفتنی است که در قرون نخستین اسلامی، در برخی مناطق ایران، هنوز مردگان را به سنت غیراسلامی دفن می‌کرده‌اند. مثلاً رو به قبله نبودن مرده. برای نمونه «اشپولر» می‌نویسد: «در مورد به خاک سپردن اموات نیز تا مدتی عادات قدیمی در جنب مراسم اسلامی،

□ شناسایی گورستان‌های کهن و مطالعه و بررسی آن‌ها، البته به دقت نظر ما در شناخت و بررسی گذشته‌ی فرهنگی سرزمین مان می‌افزاید. در استان لرستان نیز هم‌چون دیگر مناطق کشورمان، تاکنون گورهایی از دوره‌های مختلف تاریخی کشف شده‌اند که برخی از آن‌ها مورد مطالعه‌ی علمی باستان‌شناسان نیز قرار گرفته‌اند.^۱ گورستان مورد نظر در این گزارش، در جنوب استان لرستان و در فاصله‌ی تقریباً ۴ کیلومتری شرق شهرستان «پلدختر» در ۵۰۰ متری شمال جاده‌ی که به روستای «واشیان»^۲ (Vasheyan) می‌رود، واقع است. این گورستان شامل دو بخش شمالی و جنوبی است و در فاصله‌ی بین دو بخش آن که ۵۰ متر می‌باشد، یک سالن مرغداری ساخته شده است.

اطلاعات محلی حاکی از آن است که در فاصله‌ی بین دو بخش شمالی و جنوبی این گورستان که هم‌اکنون سالن مرغداری است، از دیرباز هیچ گوری وجود نداشته است. همین امر سبب می‌شود که دو بخش این گورستان را دو گورستان جداگانه، اما نزدیک به هم بدانیم. برای تفکیک دو بخش این گورستان از یک‌دیگر، بخش شمالی را که کهن تر و موضوع این گزارش است، گورستان A می‌نامیم و بخش جنوبی را که مربوط به قرون متاخر است، گورستان B.

گورستان B که تاریخ برخی سنگ قبرهای آن به میانه‌ی سده‌ی سیزدهم هجری قمری می‌رسد، محوطه‌ی به مساحت ۵۴ × ۳۰ مترمربع را در برمی‌گیرد و تعداد قبور آن در حدود ۱۰۰ قطعه است. این تعداد قبور در مقایسه با گورستان A نشانگر این است که صاحبان گورستان B نسبت به صاحبان گورستان A اولاً جمعیت کم‌تری داشته‌اند؛ ثانیاً مدت زمان کم‌تر و کوتاه‌تری ساکن منطقه بوده‌اند و احتمالاً آغاز سکونت‌شان در منطقه‌ی یاد شده به قرن دوازدهم هجری می‌رسد؛ یا دست کم شکل‌گیری گورستان آن‌ها در این قرن بوده است. اما گورستان A که بر گورهای آن هیچ نقش یا نوشته‌ی که بتوان آن را به دوره‌ی اسلامی نسبت داد، دیده نمی‌شود. محوطه‌ی بی‌ست به مساحت ۸۵ × ۲۴ مترمربع و با طول شرقی - غربی. البته با توجه به بخش تخریب شده‌ی ضلع شمالی این گورستان توسط کشاورزان، می‌توان دریافت که مساحت آن از فضای باقی مانده‌ی کنونی بیش تر بوده است.

تعدادی از گورهای این گورستان، آن چنان کهنه‌اند که سطحی از

پی‌نوشت‌ها

- ۱- ر. ک. نوروززاده‌ی چگینی، ناصر (سازمان میراث فرهنگی کشور)، «هیات هلمز نخستین فعالیت‌های باستان‌شناسی در لرستان»، مجله‌ی باستان‌شناسی و تاریخ، سال هفتم، شماره‌ی اول و دوم، شماره‌ی پیاپی ۱۳ و ۱۴، اسفند ۱۳۷۲
- ۲- این روستا در حدود ۱۰ کیلومتری شرق شهرستان «پلدختر» واقع است و همان است که حمدالله مستوفی در تاریخ‌گزیده با نام «واشجان» از آن یاد کرده است. ر. ک. حمدالله مستوفی، تاریخ‌گزیده، به اهتمام دکتر عبدالحسین نوایی، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۶۴، ص ۵۵۳.
- ۳- ر. ک. سگوند اردشیر، نقشی بر سنگی (نقوش برجسته‌ی مقابر لرستان)، کیهان فرهنگی، سال یازدهم، شماره‌ی ۵، (شماره‌ی پیاپی، مرداد ماه ۱۳۷۳).
- ۴- در برخی از گورهای گورستان A در ضلع شمالی نیز سنگ قبرهایی دیده می‌شود.
- ۵- اشپولر، برتولد، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه‌ی جواد فلاطوری، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹، جلد اول، صص ۲۹۸ و ۲۹۹.

فردا خبری آید ناگه که امین‌مرد!

فردا خبری آید، ناگه، که: امین‌مرد!
آن مانده ز مردان کهن بازپسین‌مرد
یک عمر همی زیست چو جبریل امین، پاک
آزرده از این قوم چو ابلیس لعین، مرد
چل سال به جان سختی جان کند و همی زیست
سهل است دم مرگ که جان داد و چنین‌مرد
شیرین سخنی بود و بسی روی ترش رفت
بس عقده‌گشا بود و گره‌کرده جبین‌مرد
گو دیر بمانند کنون صدرنشینان
گر هم‌چو منی زاویه‌ی فقرنشین‌مرد
با دشمن من باز بگویند که ایران
می‌ماند و اسکندر و چنگیز و تکین‌مرد
زنده است هنرمند به یمن هنر خویش
کی حافظ و فردوسی یا ابن‌یمین‌مرد؟
از مرگ نترسیم که پرپر شد اگر گل
این رویش هر ساله نه در طبع زمین‌مرد



حسن امین (پس از لغو مجوز ماهنامه‌ی حافظ در ۲۰ شهریور ۱۳۸۵)

هستی خود را حفظ نمود... اما خودِ دفن به این ترتیب صورت می‌گرفت که در جدار قبر لحدی تعبیه نموده، جسد را به پشت یا به طرف چپ در آن می‌خوابانیدند، درحالی‌که صورت میت به طرف شرق و پشت سر او به طرف غرب (پای او رو به قبله) واقع می‌گشت».

۴- سنگ‌چین گورهای دو گورستان A و B با هم متفاوت است به گونه‌ی که در گورستان A، سنگ‌های نیمه‌تراش خورده و شکسته را به گونه‌ی دور قبر چیده‌اند که سطح آن را که پایین‌تر هم هست، در میان گرفته‌اند (سنگ‌چین لبه‌دار) و بدین طریق حریم هر گور از گور دیگر کاملاً جداست. در صورتی‌که سنگ‌چین گورهای گورستان B ساده و معمولاً هم‌سطح قبر است و گاه دو قبر در یک سنگ‌چین قرار دارند.

۵- از جدایی دو گورستان A و B از یک‌دیگر و در عین حال فاصله‌ی نزدیک‌شان به هم، چنین به نظر می‌رسد که صاحبان گورستان B که در قرون متاخر می‌زیسته‌اند، از کهنگی گورستان A و از این‌که به مردگان غیرمسلمان تعلق دارد، باخبر بوده‌اند یا دست‌کم برای آنان گورستانی ناآشنا و مغایر با شیوه‌ی تدفین به سنت اسلامی بوده است.

به‌همین جهت، مردگان خود را کمی آن‌سوتر دفن کرده‌اند تا از دفن اموات مسلمانان در گورستان غیرمسلمانان خودداری شده باشد. همین امر قرینه‌ی خوبی‌ست که بر پایه‌ی آن می‌توان دریافت که گورستان A، یک گورستان بازمانده از ایران پیش از اسلام است؛ یا دست‌کم به ایرانیان غیرمسلمان در قرون نخستین اسلامی مربوط می‌شود.

با توجه به آن‌چه گفته شد، اگرچه جای تردید نیست که دو گورستان A و B مربوط به دو دوره‌ی تاریخی مختلف یا دست‌کم دو فرهنگ متفاوت هستند؛ با این همه ارائه‌ی یک نظر مطمئن و دقیق درباره‌ی تعیین دوره‌ی تاریخی و فرهنگ صاحبان گورستان A، تنها از راه کاوش علمی و باستان‌شناسانه میسر است. البته از وضع ظاهری این گورستان، تنها قرینه‌ی که در شناسایی دوره‌ی تاریخی یا فرهنگ مردگان گورستان A می‌تواند به ما کمک کند، شمالی - جنوبی بودن برخی قبور آن است که با تکیه بر آن می‌توان گفت به احتمال زیاد، مردگان رو به شرق (خورشید) دفن شده‌اند. اگر چنین باشد، این نوع تدفین می‌تواند یادگاری از پیروان آیین میترائیسم باشد که بویژه در روزگار اشکانیان رواج داشته است و هسته‌ی مرکزی آن نیایش خورشید بوده است و اگر از راه کاوش علمی در گورستان A این موضوع ثابت شود، در آن صورت می‌توان گفت گورستان یاد شده یا متعلق به دوره‌ی اشکانی‌ست و یا اگر به دوره‌ی اسلامی مربوط می‌شود، متعلق به مرده‌های مردمانی‌ست که پس از ورود اسلام به ایران، هنوز پیرو کیش مهرپرستی بوده‌اند یا لاقلاً به برخی سنت‌های این آیین از جمله شیوه‌ی تدفین هم‌چنان پایبند بوده‌اند.

آن‌چه که این نظر را بیش‌تر تایید می‌کند، این است که در بین ساکنان محلی منطقه‌ی مورد نظر، هنوز کسانی هستند که می‌توان آن‌ها را بازماندگان پیروان کیش مهرپرستی به شمار آورد. (البته پرداختن به این موضوع، خود مجالی دیگر می‌طلبد.) در این صورت بعید نیست که اینان از فرزندان و اخلاف مردگان گورستان A باشند. امید است سازمان میراث فرهنگی، ضمن اقدام به کاوش علمی

در این محوطه‌ی تاریخی، در حفظ آن نیز همت بورزد. ■